

اسلام در ناحیه بیابانی عربستان ظهور کرد که در آن از شهر و شهرنشینی جز در چند واحه خبری نبود و مردمش یا در صحاری وسیعی با خاتمه بدوشی زندگی میکردند، یا در واحه های کوچک و پرت افتاده. این مردم پیش از اسلام هیچگاه دست به تهاجم به خارج از سرزمین خود نزده بودند و همان دلایلی که آنها را از اجتماع برای حمله به خارج باز میداشت خارجیان را نیز از تسلط بر آنها مانع میشد.

در زندگی این فقیرترین و جاهل ترین مردم جهان اساس زندگی محرومیت و تلاش برای زنده ماندن و زد و خوردهای خونین بود. شرایط سخت و ناگوار بادیه نشینی، عرب بدوی را موجودی خودسر، بی انضباط و بطور وحشیانه ای خودخواه بار آورده بود. به تعبیر «پرلامنس» خودپرستی هم بزرگترین نقیصه اخلاقی عرب بادیه نشین و هم مولد خصایص اصولی او بود. این عرب، چنانکه در ادبیات اسلامی به کرات توصیف شده، موجودی وحشی، کاروان زن، یغماگر، غارتگر زائرین، راهزن بی ایمان، عربده جو، ددمنش، سوسمارخوار، آدمکش و بد زبان بود. این مردم، وقتی که در آغاز قرن هفتم (قرن اول هجری) از صحرا های خودشان بیرون ریختند و به سوی دو تمدن بزرگی که میبایست میان آنان تقسیم شوند سرازیر شدند غیر از آیین جدیدشان چیزی که از خودشان باشد نداشتند، و کار را با دست خالی شروع کردند.

بن مایه : پس از هزار و چهارصد سال - دکتر شجاعالدین شفا

گردآورنده:
شاهین کاویانی



<http://derafsh-kaviyani.com/books>